

عظمت ابوالفضل (ع)

از نکات قابل توجه در رزمگاه کربلا، بهره‌گیری سپاه عمرسعد از شعارهای گذشته و استناد به ارزش‌های مقبول دینی است که با هدف خام کردن و فریب سربازان از این عناصر استفاده می‌کردند.



از نکات قابل توجه در رزمگاه کربلا، بهره‌گیری سپاه عمرسعد از شعارهای گذشته و استناد به ارزش‌های مقبول دینی است که با هدف خام کردن و فریب سربازان از این عناصر استفاده می‌کردند.

شعار یا خلیل الله اربکی و [بالجنه] ابشری، شعاری است که سعد بن ابی وقاص - پدر عمر سعد - در جنگ مسلمانان علیه نامسلمانان به کار می‌برد که شعار دوران پیامبر بوده است و شگفتا در کربلا علیه خاندان پیامبر به کار برده می‌شود!

در واکاوی شخصیت و رفتار جنایتکاران کربلا درمی‌یابیم که هر چه پیشتر می‌روند؛ سنگدل تر، گستاخ تر و برای جنایت مستعدتر می‌شوند. در جبهه حسینی نیز روز به روز روح‌ها لطیف تر، شعله عشق افروخته تر و جان‌ها برای ایثار و پاکبازی آماده تر می‌شود.

دیدیم که عمر سعد در شیب تدریجی تحول رفتار به کجا رسید. او به امید صلح و جلوگیری از جنگ و البته رسیدن به حکومت ری و گرگان آمد، اما کم کم برای رسیدن به آرزو و رقابت با شمر و خولی آماده جنایت شد. زاویه انحراف کم کم باز می‌شود و انسان به جایی می‌رسد که اگر در آغاز انحراف می‌گفتند، باور نمی‌کرد!

شاید برخی شرکت کنندگان در سپاه دشمن از ابتدا تصویر و تصور رفتار پایان خود را نداشتند، اما بتدریج آماده شدند و به اطاعت شیطان تن سپردند. وقتی سخنرانی و ارشاد «بُریر بن خضیر» کارگر نیفتاد، امام فرمودند: استحوذ علیهم الشیطان فانساهم ذکر الله اولئک حزب الشیطان الا ان حزب الشیطان هم الخاسرون.

شیطان بر آنان چیره شد و یاد خدا را فراموششان کرد اینان حزب شیطان اند و حزب شیطان قطعاً بازنده و زیانکار است.

استحوذ یعنی چیره شدن. پس جنایتکاران کربلا پیروز نبودند، شکست خوردگان شیطان بودند و یاران حسین (ع)، عزیز و پیروز که هر که با خداست پیروز است. ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین و لکن المنافقین لایعلمون (منافقون، 8)

دنیازدگی، آزمندی و آرزومندی، دلبستگی به دنیا و شهرت و شهوت را لحظه به لحظه حریص تر و در راه رسیدن به خواسته‌ها، بی رحم تر و سنگدل تر می‌کند. همین است که سخنرانی‌های بریر، زهیر، انس بن کاهل اسدی و حتی اباعبدالله کارگر نمی‌افتد.

امام پیشتر فرموده بود که: قد انزلت عطیاتکم من الحرام و ملئت بطونکم من الحرام فطبع الله علی قلوبکم ویلکم الا تنصتون. بخشش هایتان در حرام و شکم هایتان انباشته از حرام است و خدا بر دل هایتان مهر زده است.

نوع سخن گفتن سپاهیان - بویژه عمرسعد - در روز عاشورا خشن تر و ناامیدکننده تر از قبل است و رفتار و منش آنان نیز متفاوت تر. با این حال یاران امام تا آخرین لحظه، باب موعظه و اندرز و دعوت را مسدود نمی‌کنند، شاید با گفت و گو بتوانند به ضلالت کسی پایان دهند و درهای هدایت را به رویش بگشایند و دقیقاً معرفت امام، پشتوانه بزرگ بازگشت حر می‌شود و بی معرفتی دشمنان نسبت به منزلت و جایگاه امام، عامل اساسی در پافشاری در باطل. در مقایسه عمرسعد و حر این نکته را بخوبی درمی‌یابیم.

یاران امام می‌دانستند که منزلت امام همان است که امیرمومنان علی (ع) فرمود: مکان القیم من الامر مکان النظام من الخرز یجمعه و یضمه فاذا انقطع النظام تفرق الخرز و ذهب ثم لم یجتمع بحذا فیره ابدأ.

زامدار و رهبر رشته ای است که دانه‌های پراکنده یک جامعه را همانند نخ گردنبندی که دانه‌های گردنبند را سامان و انتظام می‌بخشد، هماهنگی و پیوستگی می‌بخشد و آنگاه که این نخ گسسته شود، دانه‌ها پراکنده می‌شود و هریک به سویی می‌رود و پس از آن هیچ گاه سامان نمی‌پذیرد.

امام سجاد (ع) در ستایش عمویش ابوالفضل العباس می‌گوید: رحم الله عمی العباس فلقد اثر و ابلی و فدی اخاه بنفسه حتی

قطعت یداه.

خداوند عمویم عباس را رحمت کند. او خود را فدای برادرش حسین کرد، مورد آزمون قرار گرفت و ایثار کرد تا هر دو دستش قطع شد.

عظمت ابوالفضل العباس در اطاعت وی از امام و مقام و منزلت یاران عاشورا نیز همین فرمان پذیری و امام شناسی و راهروی است و همین فهم، حر را حر کرد و خدایش رحمت کند و شمر را شمر کرد که لعنت خداوند بر او باد.

دکتر محمدرضا سنگری - پژوهشگر و استاد دانشگاه